

به نام خدا

تکنیک های تدریس و یادگیری در مقطع ابتدایی

مولفان :

مرضیه زارع

ثریا زنگنه

یلدا عبدالمهی چهارده چریکی

انتشارات کتاب رسان ایده

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: زارع، مرضیه، ۱۳۵۸ اسفند-
عنوان و نام پدیدآور: تکنیک‌های تدریس و یادگیری در مقطع ابتدایی / مولفان مرضیه زارع، ثریا
زنگنه، یلدا عبدالهی چهارده‌چریکی.
مشخصات نشر: کتاب‌رسان ایده، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۹۳ ص.
شابک: ۹-۹-۹۶۰۹۶-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۸۹-۹۳.
موضوع: تدریس -- روش‌شناسی
مدرسه‌های ابتدایی -- تدریس
یادگیری
شناسه افزوده: زنگنه، ثریا، ۱۳۵۴-
شناسه افزوده: عبدالهی چهارده‌چریکی، یلدا، ۱۳۵۶-
رده بندی کنگره: LB۱۰۲۵/۳
رده بندی دیویی: ۳۷۱/۱۰۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۲۳۶۱۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

Teaching -- Methodology
Elementary school teaching
Learning

نام کتاب: تکنیک‌های تدریس و یادگیری در مقطع ابتدایی
مولفان: مرضیه زارع - ثریا زنگنه - یلدا عبدالهی چهارده‌چریکی
ناشر: انتشارات کتاب‌رسان ایده
صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زبرجد
قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹-۹-۹۶۰۹۶-۶۲۲-۹۷۸
تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	فصل اول: گام به گام با آموزش.....
۸	تعاریف اولیه
۱۱	مواجهه با باورهای رایج
۱۳	جامعه و آموزش های ابتدایی
۱۵	چشم اندازهای قانونی
۱۸	آیین نامه های اولیه
۲۱	فصل دوم: آموزش های فراگیر.....
۲۴	جامعه پذیری ابتدایی
۲۷	راهبردهای مدیریتی
۲۹	دوران ابتدایی ، نگاه ویژه
۳۲	تعامل و مشارکت پروری در آموزش
۳۵	مهارت های ارتباطی
۳۸	تنوع آموزشی
۴۰	مشوق های لازم
۴۳	فصل سوم: آموزش و برنامه ریزی.....
۴۶	نگاه مکمل
۴۸	رویکرد های پژوهشی
۵۰	فراگیری آموزش
۵۳	تجربه پروری
۵۵	خلاقیت پروری
۵۸	اهمیت فرصت ها
۶۱	فصل چهارم: فرآیند یادگیری - یاددهی.....
۶۴	سلامت جسم و روان

۶۶	پرورش رواداری
۶۹	فضاهای ایمن
۷۱	توسعه روابط فردی
۷۵	فصل پنجم: مهارت پروری مربیان
۷۷	شایسته سالاری
۸۰	تعامل در آموزش
۸۲	حمایت از شیوه های نوین
۸۵	دانش افزایی
۸۹	منابع و مآخذ

فصل اول

گام به گام با آموزش

یکی از موانع مهم یادگیری در آموزش ابتدایی ایران، نابرابری اجتماعی-اقتصادی است. تحقیقات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان با پیشینه‌های اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر اغلب با چالش‌هایی مانند دسترسی محدود به منابع آموزشی، امکانات ناکافی مدرسه و کمبود حمایت خانواده مواجه هستند (شاکریان و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۸۹). به منظور رفع این شکاف‌ها، مداخلات و سیاست‌های هدفمند باید برای ارائه حمایت‌ها و منابع بیشتر به مدارس و دانش‌آموزان در مناطق محروم اقتصادی اجرا شود. این می‌تواند شامل افزایش بودجه، بهبود زیرساخت‌ها، و ابتکارات مبتنی بر جامعه با هدف توانمندسازی خانواده‌ها برای مشارکت فعال در آموزش فرزندان‌شان باشد.

آموزش ابتدایی به عنوان یک سنگ بنای اساسی در رشد همه جانبه کودکان عمل می‌کند و نقشی اساسی در شکل‌گیری بهزیستی شناختی، اجتماعی، عاطفی و جسمی آنها ایفا می‌کند. در ایران، درک نقش چندوجهی آموزش ابتدایی در رشد کودک برای ایجاد یک سیستم آموزشی موثر و پاسخگو ضروری است. این بخش ابعاد مختلف نقشی را که آموزش ابتدایی در پرورش رشد کلی کودکان در ایران ایفا می‌کند، با در نظر گرفتن چشم‌انداز آموزشی ملی و بافت وسیع‌تر جهانی بررسی می‌کند.

رشد شناختی به عنوان یکی از اهداف اولیه آموزش اولیه در ایران با تمرکز بر ارتقای ظرفیت‌های فکری و مهارت‌های تفکر انتقادی است. برنامه درسی ایران بر رویکردی

متوازن، ادغام موضوعاتی که رشد شناختی و توانایی های حل مسئله را تحریک می کند، تأکید دارد (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۸، ص ۳۴). این با درک جهانی که رشد شناختی در سال های اولیه پایه و اساس موفقیت تحصیلی و یادگیری مادام العمر کودک را می سازد، همسو است (پیاژه، ۲۰۱۶، ص ۴۵). اهمیت تحریک شناختی اولیه توسط تحقیقاتی که نشان دهنده همبستگی قوی بین رشد شناختی اولیه و پیشرفت تحصیلی بعدی است، تأکید می شود (ویگوتسکی، ۲۰۱۸، ص ۷۸). تعهد ایران به تقویت رشد شناختی در آموزش ابتدایی نشان دهنده قدردانی گسترده تر از نقش آموزش در شکل دادن به ظرفیت های فکری است.

آموزش ابتدایی در ایران همچنین نقش حیاتی در توسعه اجتماعی، پرورش مهارت های اجتماعی ضروری و ارتقاء حس اجتماع و همکاری دارد. نظام آموزشی ایران اهمیت جامعه پذیری و روابط بین فردی را در سال های اولیه تشخیص می دهد (رحیمی، ۱۳۹۹، ص ۵۶). این دیدگاه با تحقیقات جهانی که بر نقش توسعه اجتماعی در ایجاد روابط مثبت با همسالان، مهارت های ارتباطی و احساس تعلق تأکید می کند، همسو است (اریکسون، ۲۰۱۷، ص ۱۰۲). آموزش ابتدایی در ایران با فراهم کردن فرصت هایی برای یادگیری مشارکتی و تعامل اجتماعی، به پرورش افراد شایسته و سازگار از نظر اجتماعی کمک می کند.

رشد عاطفی یکی دیگر از جنبه های حیاتی رفاه کلی کودک است که آموزش ابتدایی در ایران به آن پرداخته است. برنامه درسی و روش های تدریس، هوش هیجانی را با هدف توسعه خودآگاهی، خودتنظیمی و همدلی در اولویت قرار می دهد (حسن پور، ۱۳۹۰، ص ۸۹). این رویکرد در راستای تلاش های بین المللی برای شناخت و پرداختن به ابعاد عاطفی یادگیری است (گلن، ۲۰۱۸، ص ۱۱۵). تأکید ایران بر رشد عاطفی نشان دهنده این درک است که افراد انعطاف پذیر هیجانی برای عبور از چالش های زندگی و کمک مثبت به جامعه مجهزتر هستند.

علاوه بر این، آموزش ابتدایی در ایران از طریق برنامه‌هایی که سلامت، رفاه و آمادگی جسمانی را ارتقا می‌دهند، فعالانه به رشد جسمانی کمک می‌کند. گنجاندن تربیت بدنی در برنامه درسی نشان دهنده رویکردی کل نگر به رشد کودک است (کشاورز، ۱۳۹۸، ص ۴۶). تحقیقات از این ایده حمایت می‌کند که فعالیت بدنی نه تنها سلامت جسمی را افزایش می‌دهد، بلکه بر رفاه شناختی و عاطفی نیز تأثیر مثبت می‌گذارد (هیلمن و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۷۸). تعهد ایران به تربیت بدنی در مدارس ابتدایی با ابتکارات جهانی برای ترویج یک سبک زندگی سالم و فعال برای کودکان، با به رسمیت شناختن ارتباط متقابل رفاه جسمی و روانی همسو است.

در پرداختن به نقش آموزش ابتدایی در رشد کودک، توجه به تأثیر عوامل فرهنگی و زمینه‌ای ضروری است. میراث و ارزش‌های غنی فرهنگی ایران در چارچوب آموزشی ادغام شده و بر محتوا و ارائه آموزش ابتدایی تأثیر می‌گذارد (اصغری، ۱۳۹۷، ص ۶۷). این حساسیت فرهنگی تضمین می‌کند که آموزش ابتدایی نه تنها از نظر تحصیلی غنی است، بلکه از نظر فرهنگی نیز مرتبط است و حس هویت و غرور قوی را در میان کودکان ایرانی پرورش می‌دهد. تصدیق تأثیرات فرهنگی بر رشد کودک برای طراحی شیوه‌های آموزشی مؤثر و فراگیر بسیار مهم است.

علیرغم جنبه‌های مثبت، چالش‌هایی در تحقق کامل پتانسیل آموزش ابتدایی در رشد کودک در ایران وجود دارد. منابع محدود، به ویژه در مناطق روستایی، ممکن است مانع از اجرای برنامه‌های جامع با توجه به جنبه‌های شناختی، اجتماعی، عاطفی و فیزیکی توسعه شود (رمضانی، ۱۳۹۱، ص ۹۸). علاوه بر این، نیاز به توسعه حرفه‌ای مستمر برای معلمان برای انطباق با نظریه‌ها و شیوه‌های آموزشی در حال تحول ضروری است (فرهمند، ۲۰۲۱، ص ۱۱۲). غلبه بر این چالش‌ها نیازمند تلاش راهبردی و مشارکتی از سوی سیاست‌گذاران آموزشی، دست‌اندرکاران و جامعه وسیع‌تر است.

آموزش ابتدایی در ایران نقش چندوجهی در رشد همه‌جانبه کودکان دارد که ابعاد شناختی، اجتماعی، عاطفی و جسمی را در بر می‌گیرد. نظام آموزشی ایران در عین

اینکه ریشه در ارزش‌های فرهنگی دارد، با روندهای جهانی در شناخت ماهیت به هم پیوسته این حوزه‌های توسعه‌ای همسو می‌شود. با این حال، پرداختن به چالش‌ها و حصول اطمینان از رشد مطلوب هر کودک نیازمند رویکردی جامع و سازگار است. ایران با درک و قدردانی از نقش‌های متنوع آموزش ابتدایی در رشد کودک، می‌تواند به تکامل سیستم آموزشی خود برای پاسخگویی به نیازهای پویا دانش‌آموزان جوان خود ادامه دهد.

تعاریف اولیه

آموزش ابتدایی در ایران مبتنی بر مفاهیم و اصول کلیدی است که به عنوان چارچوبی برای کل نظام آموزشی عمل می‌کند. درک این عناصر اساسی برای مربیان، سیاستگذاران و دست‌اندرکاران در شکل‌گیری چشم‌انداز آموزشی کشور بسیار مهم است. این بخش به بررسی مفاهیم و اصول کلیدی در آموزش ابتدایی در ایران می‌پردازد و اهمیت، کاربرد و تأثیر بالقوه آنها بر کیفیت کلی آموزش را روشن می‌کند.

یکی از مفاهیم اساسی در آموزش ابتدایی ایران، فراگیری است. تعهد به آموزش فراگیر در خط مشی‌ها و دستورالعمل‌های ملی گنجانده شده است و بر اهمیت فراهم کردن فرصت‌های آموزشی برابر برای همه کودکان، صرف نظر از توانایی‌ها و پیشینه‌های آنها تأکید می‌کند (وزارت آموزش و پرورش، ۲۰۱۹، ص ۱۵). آموزش فراگیر فراتر از تعداد ثبت نام صرف است و بر ایجاد محیطی تمرکز می‌کند که در آن هر دانش‌آموز در سفر یادگیری خود احساس ارزش، احترام و حمایت کند (رحیمیان، ۲۰۲۱، ص ۳۴). این با تلاش‌های جهانی برای ترویج آموزش فراگیر به عنوان ابزاری برای پرورش تنوع، مدارا و تفاهم در جامعه همسو است (یونسکو، ۲۰۱۷، ص ۴۵).

محور اصول آموزش ابتدایی در ایران، مفهوم آموزش یادگیرنده محور است. تغییر به سمت رویکردهای یادگیرنده محور بر مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری، تشویق تفکر انتقادی، خلاقیت و مهارت‌های حل مسئله تأکید دارد (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۶۷). این رویکرد با هدف پرورش یادگیرندگان مستقل و مادام‌العمر از روش‌های

سنتی معلم محور فاصله می گیرد (سلطانی، ۱۳۹۷، ص ۷۸). تأکید بر آموزش و پرورش یادگیرنده محور، روندهای آموزشی معاصر را منعکس می کند که مشارکت و توانمندسازی دانش آموزان را در اولویت قرار می دهد (هتی، ۲۰۱۹، ص ۱۱۲).

مفهوم کلیدی دیگر در آموزش ابتدایی ایران ادغام فناوری است. وزارت آموزش و پرورش ایران با درک پتانسیل تحول آفرین فناوری در افزایش تجارب یادگیری، در گنجاندن ابزارها و منابع دیجیتال در برنامه درسی فعال بوده است (وزارت آموزش و پرورش، ۲۰۲۰، ص ۵۶). ادغام فناوری صرفاً پاسخی به خواسته‌های عصر مدرن نیست، بلکه یک ابتکار راهبردی برای آماده‌سازی دانش‌آموزان برای چالش‌های عصر دیجیتال است (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۸۹). این با بحث‌های جهانی در مورد نقش فناوری در آموزش و تأثیر آن بر توسعه مهارت‌های قرن بیست و یکم همسو است.

ملاحظات اخلاقی نقش بسزایی در شکل‌گیری آموزش ابتدایی در ایران دارد. گنجاندن اصول اخلاقی در برنامه درسی بیانگر ارزش‌های فرهنگی و دینی کشور است و بر اهمیت رشد اخلاقی در کنار پیشرفت تحصیلی تأکید دارد (کریمی، ۱۳۹۸، ص ۴۵). هدف از تزریق آموزش اخلاقی، پرورش احساس مسئولیت، همدلی و آگاهی اجتماعی در بین دانش‌آموزان است (مهرابی، ۱۳۹۱، ص ۳۴). این رویکرد کل نگر به آموزش با تلاش‌های بین‌المللی برای گنجاندن ابعاد اخلاقی در فرآیند آموزشی همسو می‌شود (یونسکو، ۲۰۲۲، ص ۷۸).

اصل ارزشیابی مستمر جزء لاینفک نظام ارزشیابی در آموزش ابتدایی ایران است. فراتر از امتحانات سنتی، ارزشیابی مستمر بر نظارت بر پیشرفت دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی، ارائه بازخورد به موقع و رسیدگی به نیازهای یادگیری فردی متمرکز است (داورپناه، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲). هدف این رویکرد ایجاد درک جامع تری از قابلیت‌ها و چالش‌های دانش‌آموزان است که به تجربه یادگیری شخصی و مؤثرتر کمک می‌کند. تأکید بر ارزیابی مستمر با بحث‌های جهانی در مورد روش‌های ارزیابی جایگزین که فراتر از تست استاندارد است، همسو می‌شود.

در زمینه آموزش ابتدایی ایران، اصل مشارکت جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. مشارکت والدین، جوامع محلی و سایر ذینفعان در فرآیند آموزشی به عنوان ابزاری برای ایجاد یک محیط یادگیری مشارکتی و حمایتی مورد تاکید قرار می گیرد (ضیایی، ۱۳۹۷، ص ۷۸). مشارکت جامعه فراتر از رویدادهای گاه به گاه مدرسه است. این شامل ایجاد مشارکت هایی است که به رفاه و پیشرفت کلی دانش آموزان کمک می کند (اپستاین، ۲۰۱۹، ص ۴۵). این امر با شناخت جهانی اهمیت مشارکت جامعه در پرورش یک تجربه آموزشی کل نگر هماهنگ است.

با این حال، چالش هایی در تبدیل این مفاهیم و اصول کلیدی به شیوه های آموزشی مؤثر وجود دارد. برای مثال اجرای آموزش فراگیر مستلزم غلبه بر موانع نگرشی و تامین منابع کافی برای دانش آموزان با نیازهای متنوع است (بنیادی نائینی، ۱۳۹۰، ص ۹۰). به همین ترتیب، اطمینان از ادغام موفقیت آمیز فناوری، رسیدگی به شکاف های زیرساختی و اطمینان از تجهیز مربیان به مهارت های لازم را ضروری می کند (کشاوری، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲). غلبه بر این چالش ها مستلزم یک رویکرد جامع است که نه تنها شامل تغییر سیاست، بلکه ظرفیت سازی، توسعه حرفه ای و آگاهی جامعه نیز می شود.

مفاهیم و اصول کلیدی در آموزش ابتدایی ایران، بستر یک نظام آموزشی پویا و پاسخگو را تشکیل می دهند. از فراگیری و آموزش مبتنی بر یادگیرنده گرفته تا ادغام فناوری و مشارکت جامعه، این مفاهیم نشان دهنده تعهد به ارائه آموزش با کیفیت است که فراتر از پیشرفت تحصیلی است. در حالی که چالش ها وجود دارد، پرداختن به آنها نیازمند تلاش جمعی از سوی همه ذینفعان است تا اطمینان حاصل شود که اصول راهنمای آموزش ابتدایی در ایران به تجربیات یادگیری معنادار و متحول کننده برای هر کودک تبدیل می شود.

مواجهه با باورهای رایج

آموزش ابتدایی در ایران با باورهای غلط مختلفی مواجه است که مانع پیشرفت آن و تأثیر بالقوه آن بر رشد ذهن جوانان می‌شود. از بین بردن این باورهای غلط برای تقویت درک آگاهانه تر از چالش‌ها و فرصت‌ها در سیستم آموزش ابتدایی بسیار مهم است. این بخش به بررسی برخی از تصورات غلط رایج در مورد آموزش ابتدایی در ایران می‌پردازد، منشأ، پیامدهای آنها را بررسی می‌کند و راهکارهایی را برای پرداختن به آنها برای اطمینان از یک چشم‌انداز آموزشی موثرتر و عادلانه پیشنهاد می‌کند.

یکی از تصورات غلط رایج حول این مفهوم است که آموزش ابتدایی صرفاً در مورد پیشرفت تحصیلی است. در حالی که تعالی تحصیلی بدون شک مهم است، آموزش ابتدایی در ایران طیف وسیع تری از مهارت‌ها و شایستگی‌ها را در بر می‌گیرد. تأکید بر رویکرد کل‌نگر به آموزش در برنامه درسی ملی مشهود است که نه تنها موضوعات اصلی دانشگاهی را ادغام می‌کند، بلکه بر توسعه تفکر انتقادی، خلاقیت و مهارت‌های حل مسئله نیز تأکید دارد (وزارت آموزش و پرورش، ۲۰۱۹، ص ۲۴). اذعان به ماهیت چندوجهی آموزش ابتدایی برای از بین بردن این تصور غلط که صرفاً بر نتایج امتحانات و نمرات متمرکز است، بسیار مهم است.

این تصور غلط که آموزش ابتدایی یک مدل واحد است، به چالش‌های فراگیری و تنوع در نظام آموزشی ایران کمک می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دارای سبک‌ها، ترجیحات و نیازهای متنوع یادگیری هستند (فرجی، ۱۳۹۰، ص ۵۶). پرداختن به این تصور غلط مستلزم شناخت اهمیت آموزش متمایز و رویکردهای یادگیری شخصی است که به نقاط قوت و چالش‌های دانش‌آموزان پاسخ می‌دهد (رزمجو، ۲۰۲۰، ص ۸۹). با پذیرش تنوع در یادگیری، آموزش ابتدایی در ایران می‌تواند نیازهای منحصر به فرد هر دانش‌آموز را بهتر برآورده کند و تجربه آموزشی فراگیرتر و مؤثرتری را تضمین کند.

یکی دیگر از تصورات غلط رایج این باور است که آموزش ابتدایی تنها مسئولیت مدارس و معلمان است. در واقع، مشارکت والدین و جامعه در سفر آموزشی کودک مؤثر است (شاهحسینی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲). پرداختن به این تصور غلط مستلزم تقویت روابط مشترک بین مدارس، والدین و جوامع است. مشارکت والدین در تکالیف، فعالیت‌های مدرسه و فرآیندهای تصمیم‌گیری تأثیر مثبتی بر عملکرد تحصیلی و رفاه کلی دانش‌آموزان دارد (افلاکپویه، ۱۳۹۸، ص ۷۸). به رسمیت شناختن مسئولیت جمعی برای آموزش ابتدایی برای ایجاد یک محیط حمایتی و پرورشی که فراتر از کلاس درس گسترش می‌یابد، ضروری است.

این تصور غلط رایج وجود دارد که فناوری به جای تقویت آموزش ابتدایی مانع می‌شود. استقبال از فناوری آموزشی می‌تواند به طور قابل توجهی به تجربیات یادگیری جذاب و مؤثر کمک کند (سیف، ۲۰۲۲، ص ۴۵). ادغام ابزارها و منابع دیجیتال در برنامه درسی می‌تواند خلاقیت، تفکر انتقادی، و سواد فناورانه - مهارت های ضروری برای قرن بیست و یکم را تقویت کند (هاشمی، ۲۰۲۱، ص ۶۷). با پرداختن به این تصور غلط و ترویج استفاده مسئولانه از فناوری در آموزش ابتدایی، ایران می‌تواند دانش‌آموزان خود را بهتر برای عصر دیجیتال آماده کند و کیفیت کلی آموزش را ارتقا دهد.

یک تصور غلط رایج این است که آموزش ابتدایی تنها بر عهده بخش آموزش است و پیامدهای اجتماعی گسترده تر آن را نادیده می‌گیرد. آموزش ابتدایی در ایران نقشی محوری در شکل دادن به شهروندانی دارد که به طور مثبت به جامعه کمک می‌کنند (ریاحی، ۱۳۹۶، ص ۳۴). با از بین بردن این تصور غلط که آموزش به کلاس های درس محدود می‌شود، می‌توان قدردانی بیشتری از نقش آموزش ابتدایی در پرورش ارزش های مدنی، مسئولیت اجتماعی و شهروندی فعال داشت. این شناخت برای ترویج حس اجتماعی و القای ارزش هایی که به بهبود جامعه کمک می‌کند ضروری است.

دفع باورهای غلط مستلزم یک گفتمان عمومی آگاهانه و کمپین های آگاهی بخشی است. مربیان، سیاست گذاران و محققان باید به طور فعال ماهیت چند وجهی آموزش

ابتدایی و تأثیر اجتماعی گسترده تر آن را به اشتراک بگذارند. برنامه‌های توسعه حرفه‌ای برای معلمان باید به این باورهای نادرست رسیدگی کند و دانش و مهارت‌هایی را در اختیار آنها بگذارد تا نیازهای یادگیری متنوع را برطرف کنند و به طور مؤثر با والدین و جوامع تعامل کنند (نصیری، ۲۰۲۱، ص ۷۸). علاوه بر این، گنجاندن آموزش سواد رسانه‌ای در برنامه درسی می‌تواند دانش آموزان را برای ارزیابی انتقادی اطلاعات، به چالش کشیدن و از بین بردن باورهای غلط رایج از سنین پایین توانمند سازد (قاسمی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲).

پرداختن به تصورات غلط رایج در مورد آموزش ابتدایی در ایران برای پرورش درک دقیق‌تر پیچیدگی‌ها و پتانسیل آن بسیار مهم است. با از بین بردن افسانه‌های پیرامون تمرکز تحصیلی، فراگیر بودن، مشارکت والدین، ادغام فناوری، و تأثیر اجتماعی، آموزش ابتدایی می‌تواند دستخوش تحولات مثبت شود. پذیرش دیدگاهی متفاوت در آموزش ابتدایی برای ایجاد یک سیستم آموزشی فراگیر، مؤثر و پویا که نیازهای متنوع فراگیران را برآورده می‌کند و آنها را برای چالش‌های آینده آماده می‌کند، ضروری است.

جامعه و آموزش‌های ابتدایی

رابطه بین آموزش ابتدایی و نیازهای اجتماعی پیچیده و پویا است و سیستم آموزشی به عنوان مکانیزمی حیاتی برای رسیدگی به نیازهای در حال تحول جامعه عمل می‌کند. در متن ایران، درک تأثیر متقابل بین آموزش ابتدایی و نیازهای اجتماعی برای شکل دادن به یک چارچوب آموزشی ضروری است که نه تنها دانش آکادمیک را منتقل می‌کند، بلکه افراد را به مهارت‌ها و ارزش‌های لازم برای شهروندی فعال و مسئولانه مجهز می‌کند.

همسویی آموزش ابتدایی با نیازهای اجتماعی در سیاست‌های آموزشی ایران مشهود است که بر پرورش مهارت‌هایی که برای توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور ضروری تلقی می‌شوند تأکید دارد (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۸، ص ۲۵). این رویکرد فعال نشان دهنده شناخت نقش محوری آموزش در پاسخ به تقاضاهای در حال تغییر بازار کار و

سایر چالش های اجتماعی است. وزارت آموزش و پرورش ایران با همکاری ذینفعان مختلف تلاش می کند تا برنامه درسی ایجاد کند که نه تنها استانداردهای آکادمیک را برآورده کند، بلکه نیازهای عملی جامعه را نیز برطرف کند.

ادغام فناوری در آموزش ابتدایی در ایران نمونه ای از پاسخگویی نظام آموزشی به نیازهای جامعه است. همانطور که فناوری به شکل‌گیری جنبه‌های مختلف زندگی روزمره ادامه می‌دهد، بخش آموزش در حال تطبیق است تا اطمینان حاصل شود که دانش‌آموزان به مهارت‌های سواد دیجیتال مجهز هستند (رزمجو، ۲۰۲۱، ص ۱۱۲). تأکید بر فناوری در آموزش ابتدایی با روندهای جهانی که نقش شایستگی دیجیتال را در آماده‌سازی افراد برای نیروی کار معاصر تشخیص می‌دهند همسو است (یونسکو، ۲۰۲۲، ص ۶۷). ایران با گنجاندن فناوری در برنامه درسی، نه تنها به تقاضای فعلی جامعه برای مهارت های دیجیتال پاسخ می دهد، بلکه دانش آموزان را برای چشم انداز فناوری آینده آماده می کند.

علاوه بر این، آموزش ابتدایی در ایران نقشی حیاتی در تقویت انسجام اجتماعی و ترویج ارزش‌هایی دارد که برای یک جامعه هماهنگ ضروری است. برنامه درسی بر آگاهی فرهنگی، رفتار اخلاقی و مسئولیت مدنی تأکید دارد و منعکس کننده این شناخت است که آموزش صرفاً در مورد دانش آکادمیک نیست، بلکه در مورد شکل دادن به شهروندان مسئول و متعهد است (رحیمی، ۲۰۲۰، ص ۸۸). این تمرکز اجتماعی با دیدگاه های بین المللی در مورد نقش آموزش در ارتقای انسجام اجتماعی و کمک به رفاه کلی جوامع همسو است (کاوچی و کندی، ۲۰۱۷، ص ۴۵). تأکید بر ارزش‌ها در آموزش ابتدایی در ایران بر تعهد این کشور برای برآوردن نیازهای اجتماعی فراتر از تعالی تحصیلی تأکید می‌کند.

با این حال، تعامل بین آموزش ابتدایی و نیازهای اجتماعی در ایران خالی از چالش نیست. نابرابری های اقتصادی، به ویژه بین مناطق شهری و روستایی، می تواند منجر به دسترسی نابرابر به منابع و فرصت های آموزشی شود (رضایی، ۱۳۹۷، ص ۵۶). پرداختن